

از بیم لغو همه اجراهای موسیقی موسیقی و آزادی لغو شد

علی ترابی، مدیر کل دفتر موسیقی، در پاسخ به اینکه چرا فستیوال «موسیقی و آزادی» نیمه تمام ماند، گفت: «صدور مجوز فستیوال و جشنواره ساز و کار و مراحل قانونی خود را دارد و ماهیچ مجوزی برای برگزاری چنین فستیوالی در برج آزادی صادر نکرده بودیم و از طریق فضای مجازی و تبلیغات آن متوجه شدیم که برای این رویداد موسیقایی بلیت فروشی می‌شود. در ادامه با آقای یاشار درفشه صحبت کردیم و ایشان هم اذعان کردند که برای وجه تبلیغاتی این اجراها از عنوان «فستیوال» استفاده کرده‌اند اما هیچ گونه مجوزی از هیچ کجا دریافت نکرده‌اند. بنابراین عبارت «لغو شدن فستیوال موسیقی و آزادی» را اصلاح می‌کنم، چون اساساً مجوزی برای این فستیوال اخذ نشده بود که بخواهد لغو شود و تنها برای چند اجرای صحنه‌ای مجوز گرفته شده بود که دچار مشکلاتی شد.» او در مورد چرایی لغو این اجراها که قرار بود تحت عنوان «فستیوال» روی صحنه بروند، توضیح داد: «سالن به ما نامه داد که اجراهای باقی مانده را لغو کرده است به دلیل اتفاقاتی که گزارش‌هایی از آن به ما هم می‌رسید و به خود سالن هم منعکس می‌شد.» ترابی افزود: «باید تاکید کنم که نه همه گروه‌هایی که در قالب موسیقی راک در برج آزادی روی صحنه می‌رفتند ولی برخی از آن‌ها، فضای روی استیج‌شان و فضای داخل سالن‌شان قابل دفاع نبود و مستندات هم از آن تهیه و به مکان‌های مختلفی ارائه شده بود که به نظر من؛ اولین آسیبیش به خود این موسیقی و خود این گروه‌ها می‌رسد. انتظار این است که وقتی شرایطی حداقل در گام‌های اولش ممکن است شکننده باشد و حساسیت برانگیز، خود دوستانی که هنرمند این حوزه هستند که بیش از دیگران باید مراقبت کنند تا شائبه و حاشیه خود موسیقی را تحت شعاع قرار ندهد. این مراقبت اتفاق نیفتاده بود و سالن به این نتیجه رسید که مجوز اجراهای باقی مانده را لغو کند.» ترابی تصریح کرد: «کلیت قضیه مربوط به فضایی بود که در اجراهای موسیقی راک در برج آزادی رخ می‌داد و مستند هم شده بود و بیم آن می‌رفت که حوزه‌ای گسترده‌تر از موسیقی راک را هم تحت شعاع قرار بدهد.»

آوانویسی و اجرای سیامک جهانگیری

ردیف آوازی به روایت

استاد محمود کریمی

دفتر سوم

دستگاه ماهور، راست پنجگاه، سه‌گاه و چهارگاه

به همراه دوسی دی

نشر: موسسه فرهنگی هنری ماهور

درباره این اثر، به قلم سیامک جهانگیری می‌خوانیم: «نی یکی از نزدیک‌ترین سازها به حنجره انسان است و شاید از این بابت اجرای آواز یا ردیف آوازی برای این ساز مناسب‌تر باشد. به همین خاطر، این مجموعه برای ساز نی آوانویسی و اجرا شده است. آنچه در آوانویسی‌ها برای این ساز مدّ نظر بوده، اجرای چپ‌کوک دستگاه ماهور، راست‌پنجگاه، سه‌گاه و چهارگاه است زیرا در اجرای چپ‌کوک با این ساز، توالی حرکت نغمگی از گستره صوتی بم به زیر است و نسبت به اجرای راست‌کوک‌ها، در این ساز بهتر قابل اجراست.»



لیلا موسی‌زاده

سیر تحول موسیقی ایرانی در یک‌صد سال گذشته بیشتر از آنکه با تدوین ردیف و آموزش آن به هنرجویان باعث اشاعه هر چه بیشتر موسیقی کلاسیک ایرانی شده باشد موجب رشد موزیسین‌هایی شده است که علاقه‌مندند از فضای موسیقی ایرانی به‌عنوان بسترى در جهت ساخت موسیقی‌های همه‌گیر زمانه بهره‌برداری کنند. البته این موضوعی جدید و منحصر به این روزگار نیست که فضای تجاری حاکم بر همه عرصه‌هاست و موسیقی را تا مرز تبدیل به کالای یک‌بارمصرف سوق داده است، بلکه پیش‌تر نیز در زمانی که بزرگان صاحب‌روایت ردیف نیز حضور داشتند مرسوم بود و در برنامه‌گل‌های این اتفاق افتاده بود.

پیش‌تر از گل‌ها مطابق تقسیم‌بندی محمد رضا فیاض در کتاب «تا بردمیدن گل‌ها» چهار جریان موسیقی در ایران رواج داشت که شامل جریان متأثر از موسیقی غرب، جریان متأثر از موسیقی کلاسیک ایرانی، جریان نوسازی سنت‌های موسیقی کلاسیک ایرانی (جریان وزیری) و جریان موسیقی مردمی است که البته به دلیل ظهور طبقه متوسط

در نزدیک هشتاد سال پیش سه جریان موسیقی کلاسیک ایرانی، نوسازی سنت‌های موسیقی کلاسیک ایرانی و موسیقی مردمی در یکجا به یکدیگر رسیدند که آن‌هم برنامه رادیویی گل‌ها بود که هر سه بخش را توأمان می‌پوشاند و از این رو پر مخاطب‌ترین برنامه یک‌صدسال گذشته رادیو را رقم‌زده است که هنوز هم هواداران بسیاری دارد. به دلیل حضور توأمان سه جریان اصلی موسیقی ایرانی در قطعات این برنامه آهنگسازانی که در برنامه گل‌ها مشغول فعالیت بودند در شدت و ضعف نسبت خویش با این سه جریان موسیقی ایران هستند و هر کدام بنا به خاستگاه هنری‌شان در ساخت موسیقی‌های همه‌گیر فعالیت داشتند.

علی تجویدی که نام بزرگ‌ترین تصنیف‌ساز و نغمه‌پرداز گل‌ها را با خود به همراه دارد برخاسته از جریان موسیقی کلاسیک ایرانی بود که ذوق وافرش او را به سمت ساخت ملودی‌ها و تصانیفی کشاند که هر چه می‌گذرد ارزش آنها بیشتر پدیدار می‌گردد.

او که از لحاظ کمی بیشترین تصانیف گل‌ها را ساخته، همواره آن را به لحاظ ملودی و انتخاب خواننده در کیفیتی ارائه کرده است که مخاطب موسیقی آن را به گفته و

نگاهی به اجرای آثار «علی تجویدی» توسط ارکستر ملی

تنها یکی به قله تاریخ می‌رسد



نقل به مضمون از فرامرز پایور: «عوام می‌پسندید و خواص تائید می‌کرد». روح حاکم بر قطعات او آشکارا فهم دقیق او را از موسیقی کلاسیک ایرانی و ظرافت‌های بسالای آن در ترکیب با موسیقی همه‌پسندانه را می‌رساند و همچنین تائید کننده آگاهی او به زمانه‌اش بود. موسیقی‌هایی که او برای تصانیف ساخته است علی‌رغم گذشت چندین دهه به‌روشنی استفاده صحیح نبوغ و دانش او را در ساختن قطعات مناسب خیل عظیم مردم شنونده رادیو نشان می‌دهد.

همچنین هر چه می‌گذرد بیشتر مشخص می‌شود که او در قله تاریخ این شیوه آهنگسازی بر مبنای موسیقی ایرانی نشسته است. ضمن اینکه او همواره در انتخاب خواننده مجری آثارش وسواس لازم داشته و مختص دانگ صدای هر خواننده به آهنگسازی می‌پرداخته است.

از این رو اجرای آثار چنین فردی در ارکستر ملی شایستگی دوچندان و دقت وافر در درک روح موسیقی علی تجویدی را می‌طلبد تا برای مخاطب امروزی تصویری دست‌وپاشکسته و ناقص ارائه ننماید. اما از آنجایی که موسیقی گل‌ها ترکیبی از هر سه جریان موسیقی ایرانی را توأمان در خود دارد از جانب طیف‌های مختلف مورد

ملودی‌های تجویدی و

تنظیمات آنها برای ارکستر

ملی، آن چیزی نبود که از

آثار او در خاطر مخاطب

به‌روشنی مانده بلکه تلاشی

بود تا حداکثر نشانگر روایت

شهبازیان از تجویدی باشد.

روایتی که اصیل نبود و آن را

تاحدی به جریان موسیقی

مردمی فروکاست

چرا که او برای عصمت باقر پور بابلی، اشرف السادات مر تضایی و معصومه دده‌بالا قطعاتش را ساخته و اغلب خوانندگان مرد در جای صدای این خوانندگان زن نیستند و مجبورند اوج‌ها را بم بخوانند و به همین دلیل ماهیت قطعه را به هم بریزند البته بماند که از ابراز عشوه‌ها و لحن‌های زنانه که جزئی از وجود اجرایی برخی قطعات هستند اساساً عاجزند. و در این وجه اقتراق خوانندگان زن و مرد است که بیشتر تائید می‌کند که تخصیص یک‌شب به یک تصنیف‌ساز بزرگ چه مخاطراتی دارد و آنچه پیش چشم مخاطب در اجرای اخیر ارکستر ملی به اجرا درآمد نتوانست در برابر این چالش بزرگ راهکاری داشته باشد و عملاً از سوی رهبر ارکستر از پیش پذیرفته می‌نمود که تا حد زیادی ناتوان از ارائه باکیفیت آثار با امکانات موجود است.

آنچه تصویری فروریخته از ارکستر می‌ساخت انتخاب خواننده‌ای بود که به‌عنوان استاد و مدرس شیوه‌ای از آواز خوانی شهرت دارد و بنابر سنت موسیقی کلاسیک ایرانی کمتر به تصنیف‌خوانی و همراهی با ارکستر پرداخته است. علی‌اصغر شاه‌زیدی هر چند آلبومی از ساخته‌های استاد تجویدی را در کارنامه کاری خود دارد اما

آنچه در آخرین پنجشنبه‌شب پاییز ارکستر ملی اجرا شد، اجرایی بود که اسم بزرگ علی تجویدی را با خود یدک می‌کشید، اما تا چه اندازه در ارائه دقیق آثار او اهتمام داشت مساله‌ای است که اساساً وجود چنین شب‌هایی را غیر ضروری می‌نماید

سالیان سال است که به تدریس آواز می‌پردازد و اجرای تصنیف برای عموم نداشته است و چند تمرین با ارکستر ملی کفایت آن را نداشت که او شروع‌ها و سر ضرب‌ها را با ارکستر دقیق بگیرد و حتی جای صدای خویش را با آن هماهنگ کند. این‌ها بیش از آنکه گویای ضعف اجرایی خواننده باشد گویای ضعف مدیرهنری ارکستر است که با کمبود یر توار دست‌به‌گریبان است و همین این مساله او را وادار ساخته به هر شرایطی تن دهد و گر نه کیست که نداند دقت شهبازیان در نظارت بر اجرا هنگامی که ناظر ضبط قطعات است تا کجاست و چرا متوجه ایرادات آشکار اجرای ارکسترش نمی‌شود.

همچنین به او به‌عنوان رهبر ارکستر هم این ایرادات وارد است که نتوانست در حین اجرا وقتی هشت میزان خواننده به عقب بازگشت سریع این مساله را با داریت در ارکستر جمع‌وجور کند و از این ناهماهنگی‌ها بکاهد.

انتخاب خواننده دوم، حسین علیشاپور بود باعث ایجاد کنتراست بین استاد و شاگرد بود که عملاً در جهت تائید شاگرد از سوی مخاطبان اتفاق افتاد و چهره استاد را نادرست ارائه داد. اتفاقی که هرگز مدنظر رهبر ارکستر نبوده اما ماحصل انتخاب و شیوه هدایت اوست.

ملودی‌های تجویدی و تنظیمات آنها برای ارکستر ملی، آن چیزی نبود که از آثار او در خاطر مخاطب به‌روشنی مانده بلکه تلاشی بود تا حداکثر نشانگر روایت شهبازیان از تجویدی باشد. روایتی که اصیل نبود و کمکی به دریافت صحیح ابعاد موسیقی تجویدی نکرد و آن را تا حدی به جریان موسیقی مردمی فروکاست.



مبادا به دلیل تکرارهای متوالی به یک برنامه یکنواخت یا سطحی و دور از اندیشه فرو کاسته شود. تکرار تهدیدی جدی برای این مجموعه برنامه است که هر چند آواز ایرانی بی‌انتهاست اما گویا انتهایی را به برنامه چند شب تحمیل می‌کند.

زنده نگه‌دارنده جریان موسیقی غیر بازاری ایرانی است. پس لازم است برنامه‌ریزان و دست‌اندر کاران این برنامه بیشتر از گذشته به ساز و آواز و شیوه ارائه آن در ذیل پروژه چند شب ببندیشند. قالب جدید محتوایی را پس از چند دوره برگزاری یکسان این مجموعه برنامه‌ها برگزینند تا